



Sociology of Education

Evaluation of Challenges in the Higher Education System of Iran Post-Revolution in the Process of Scientific and Executive Policy-Making and Decision-Making

Mohammad Javad Moheban¹, Mohammad Reza Ghaedi^{2*}, Mohammad Reza Dehshiri³, Mohammad Kazam Kaveh Pishghadam⁴

1. PhD Student, Department of Political Science, Kish International Branch, Islamic Azad University, Kish Island, Iran.
2. Associate Professor, Department of Political Science and International Relations, Shiraz Branch, Islamic Azad University, Shiraz, Iran (Corresponding Author).
3. Professor, Department of International Relations, Faculty of International Relations of the Ministry of Foreign Affairs, Tehran, Iran.
4. Associate Professor, Department of Political Science and International Relations, Shiraz Branch, Islamic Azad University, Shiraz, Iran.

❖ **Corresponding Author Email:** ghaedi1352@gmail.com

Research Paper

Abstract

Receive: 2024/02/03
Accept: 2024/04/22
Published: 2024/11/13

Keywords:

Evaluation, Challenges of the Higher Education System, Higher Education Policy-Making.

Article Cite:

Moheban M, Ghaedi M, Dehshiri M, Kaveh Pishghadam M. (2024). Evaluation of Challenges in the Higher Education System of Iran Post-Revolution in the Process of Scientific and Executive Policy-Making and Decision-Making, *Sociology of Education*. 10(2): 284-294.

Purpose: The present study aims to evaluate the challenges in Iran's higher education system after the revolution in the process of scientific and executive policy-making and decision-making.

Methodology: The research is applied in terms of its objective and employs a mixed exploratory approach in terms of data collection methods. The research population includes documents, written sources, and academic experts who have sufficient knowledge on the subject under investigation. The research instruments comprised: 1) note-taking forms, 2) semi-structured interviews, and 3) a researcher-developed questionnaire. To analyze the qualitative data, the coding method was used, while exploratory factor analysis, confirmatory factor analysis, and structural equation modeling tests were employed for the quantitative section. Data analysis was conducted using PLS software.

Findings: According to the qualitative results, the challenges of the higher education system of the Islamic Republic of Iran in the scientific and executive domains were categorized into 19 components. The quantitative findings indicated that out of the 19 components identified in the qualitative section, components such as (focus on quantitative expansion of higher education [dominance of the quantitative paradigm], neglect of quality in the overall higher education policies, lack of attention to regional planning in higher education, inadequacy of educational standards and facilities at the global level, and issues related to the privatization of universities) were not confirmed as post-revolution challenges. However, 14 other components were confirmed.

Conclusion: Based on the research findings, it can be concluded that the evaluation of Iran's higher education system post-revolution highlights numerous challenges that were discussed and reviewed.



<https://doi.org/10.22034/ijes.2024.2021986.1534>



<https://dorl.net/dor/20.1001.1.23221445.1401.15.1.1.0>



Creative Commons: CC BY 4.0



eISSN: 2322-1445

دوره ۱۰ شماره ۲ پاییز و زمستان ۱۴۰۳ صفحات ۲۸۴-۲۹۴

جامعه شناسی آموزش و پرورش

ارزیابی چالش‌های نظام آموزش عالی ایران بعد از انقلاب در فرآیند سیاستگذاری و تصمیم‌سازی علمی و اجرایی

محمد جواد محبان^۱، محمدرضا قائدی^{۲*}، محمدرضا دهشیری^۳، محمد کاظم کاوه پیشقدم^۴

۱. دانشجوی دکتری، گروه علوم سیاسی، واحد بین المللی کیش، دانشگاه آزاد اسلامی، جزیره کیش، ایران.

۲. دانشیار، گروه علوم سیاسی و روابط بین الملل، واحد شیراز، دانشگاه آزاد اسلامی، شیراز، ایران (نویسنده مسئول).

۳. استاد، گروه روابط بین الملل، دانشکده روابط بین الملل وزارت امور خارجه، تهران، ایران.

۴. دانشیار، گروه علوم سیاسی و روابط بین الملل، واحد شیراز، دانشگاه آزاد اسلامی، شیراز، ایران.

✉ ایمیل نویسنده مسئول: ghaedi1352@gmail.com

مقاله تحقیقاتی

چکیده

هدف: پژوهش حاضر با هدف ارزیابی چالش‌های نظام آموزش عالی ایران بعد از انقلاب در فرآیند سیاستگذاری و تصمیم‌سازی علمی و اجرایی می‌باشد.

روش‌شناسی: پژوهش از نظر هدف کاربردی، از نظر نحوه جمع‌آوری داده‌ها ترکیبی (آمیخته اکتشافی) است. جامعه پژوهش شامل اسناد و منابع مکتوب و صاحب‌نظران و اساتید دانشگاهی بوده‌اند که در موضوع مورد بررسی دارای اطلاعات کافی باشند. ابزار پژوهش شامل: ۱- فرم‌های فیش‌برداری، ۲- مصاحبه نیمه ساختاریافته، ۳- پرسشنامه محقق ساخته بود. به منظور تجزیه و تحلیل داده‌های کیفی از روش کدگذاری و در بخش کمی از آزمون‌های آماری تحلیل عاملی اکتشافی، تحلیل عاملی تأییدی و معدلات ساختاری استفاده شد. تجزیه و تحلیل داده‌ها به کمک نرم‌افزار PLS انجام شد.

یافته‌ها: بر اساس نتایج بخش کیفی پژوهش چالش‌های نظام آموزش عالی جمهوری اسلامی ایران در حوزه علمی و اجرایی در ۱۹ مؤلفه دسته طبقه‌بندی شدند. در بخش کمی نتایج بیانگر آن است که از ۱۹ مؤلفه چالش‌های بدست آمده در بخش کیفی مؤلفه‌های (تمرکز بر گسترش کمی آموزش عالی (حاکمیت پارادایم کمی)، مغفول ماندن کیفیت و بی‌توجهی به آن در سیاست‌های کلی آموزش عالی، عدم توجه به آمایش سرزمین در آموزش عالی، مناسب نبودن استانداردهای آموزشی و تسهیلات در سطح جهانی و ابعاد مرتبط با خصوصی‌سازی دانشگاه‌ها) به عنوان چالش‌های نظام آموزش عالی بعد از انقلاب مورد تأیید قرار نگرفت و ۱۴ مؤلفه دیگر مورد تأیید قرار گرفتند.

نتیجه‌گیری: براساس یافته‌های پژوهش می‌توان نتیجه‌گیری کرد که ارزیابی نظام آموزش عالی ایران بعد از انقلاب نشان می‌دهد که چالش‌های زیادی در آموزش عالی وجود دارد که مورد بحث و بررسی قرار گرفت.

واژگان کلیدی:

ارزیابی، چالش‌های نظام آموزش عالی، سیاستگذاری نظام آموزش عالی.

استناد مقاله:

محبان م، قائدی م، دهشیری م، کاوه پیشقدم م. (۱۴۰۳). ارزیابی چالش‌های نظام آموزش عالی ایران بعد از انقلاب در فرآیند سیاستگذاری و تصمیم‌سازی علمی و اجرایی. جامعه‌شناسی آموزش و پرورش، ۱۰(۲): ۲۸۴-۲۹۴.



<https://doi.org/10.22034/ijes.2024.2021986.1534>



<https://dorl.net/dor/20.1001.1.23221445.1401.15.1.1.0>



Creative Commons: CC BY 4.0

مقدمه

نظام آموزش عالی نقش بسیار مهمی در پیشرفت و توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی یک کشور دارد (Fitriani & Muljono, 2019). کشورهای در حال توسعه نیز بر این باورند که پایه اصلی توسعه ملی، گسترش کمی و کیفی آموزش عالی است. نهاد آموزش عالی در هر جامعه‌ای، به ویژه جوامع در حال توسعه، به عنوان محرک توسعه پایدار شناخته می‌شود (Mohammadi Komroudi et al., 2024; Salimi et al., 2017). آموزش عالی در کشورهای در حال توسعه نقش حیاتی در رشد پایدار و مستمر درآمدهای کم و متوسط دارد. ارائه نیروی کار ماهر با کیفیت بالا به بازار کار، (مهارت‌های فنی، رفتاری و فکری) و همچنین ارائه تحقیقات برای نوآوری و رشد از جمله وظایف مهم مراکز آموزش عالی است. این نهاد می‌تواند امکان افزایش، تولید و رقابت را در کشورها فراهم کند (Ali Ghorbani et al., 2024; Bezi et al., 2024; Zaman, 2016).

دانشگاه‌ها در طول قرن‌ها با تدریس و مأموریت‌های پژوهشی خود، نقش مهمی در توسعه جوامع در سراسر جهان ایفا می‌کنند. آن‌ها همچنین راهبردهای رشد را ایجاد می‌کنند و سهم بسزایی در افزایش اشتغال فارغ‌التحصیلان، افزایش سطح تحصیلات جامعه، ایجاد فرصت‌ها برای افراد و توسعه دانش دارند (Rigi et al., 2020). بنابراین اگر بر اساس سند چشم انداز توسعه بیست ساله، هدف ما تبدیل ایران به کشوری توسعه یافته با اولین موقعیت اقتصادی، علمی و فناوری در منطقه جنوب غرب آسیا در سال ۱۴۰۴ است ما باید بر نظام آموزشی تأکید ویژه داشته باشیم. اما با وجود نزدیک شدن به پایان این دوره بیست ساله، بررسی‌های اولیه نشان می‌دهد که چالش‌ها و بحران‌های مختلف نهاد آموزش عالی کشور را تحت تأثیر قرار داده و در مواردی بقای آن را تهدید کرده است. در سراسر جهان، نظام آموزش عالی تحت فشار شدید برای دگرگونی در پاسخ به نیازهای متغیر جامعه و سهم روزافزون آن در توسعه اقتصادی و اجتماعی است (Gorbanian et al., 2021).

تغییرات چشمگیری در آموزش عالی در سراسر جهان در اواخر دهه ۱۹۸۰ رخ داده است. این تغییرات شامل ظهور جامعه دانش محور، تحولات جهانی شدن، توسعه روزافزون اقتصادی و فشارهای رقابتی فزاینده ناشی از جهانی شدن بوده است. این عوامل، تلاش‌های متعددی را در راستای اصلاحات در زمینه نظام‌های معاصر آموزش عالی راه اندازی کرده‌اند. دانشگاه‌ها انتظار داشتند که با ایجاد دانش، عدالت را بهبود بخشند، به نیازهای دانشجویان پاسخ دهند و تمامی این اقدامات را به صورت مؤثر انجام دهند (Frieden et al., 2018). در نتیجه، تغییرات و تحولاتی از جمله گسترش سریع ثبت نام دانشجویان و تنوع در ترکیب دانشجویان، کاهش نسبی در بودجه عمومی، افزایش اهمیت تحقیقات و نوآوری در اقتصاد دانش بنیان و رقابت گسترده‌تر بین مؤسسات آموزش عالی رخ داده است (Fath Elahi et al., 2014).

تحقیقات در دهه‌های میانی قرن گذشته نشان می‌دهد مسائل و مشکلات آموزش عالی بیشتر درونی بوده و براساس همین بیش کمتر به چالش‌های مرتبط و عوامل بیرونی پرداخته شده است، بنابراین با رویکرد چالش محور به آموزش عالی نگاه کرد و در گستره آن به مسائل جهانی و پیشرفت فناوری، اطلاعات و ارتباطات و تعامل محیطی بیشتر پرداخت. نحوه به کارگیری فارغ‌التحصیلان، بحران بیکاری و مهاجرت نخبگان و روند تغییرات نظام‌های حکومتی، بیش‌های سیاسی و پدیده‌ی فرار مغزها از جمله چالش‌هایی هستند که نظام‌های آموزش عالی در دوران معاصر با آن دست و پنجه نرم می‌کنند (Habibi Babadi et al., 2022).

سیاست‌گذاری مهمترین جنبه آموزش عالی است و تأثیر زیادی بر فعالیتهای آموزشی و پژوهشی دارد (Huang, 2018). سیاست‌گذاری مفاهیم متعددی را در بر می‌گیرد، نظیر، اقدام یا فرایندی در راستایی جهت‌دهی و کنترل امور یا روشی که سازمان‌ها یا کشورها در بالاترین سطح، برای مدیریت سیستم‌های خود در راستای انجام مأموریت‌های تعیین شده به‌کار می‌برند (Gorbanian et al., 2021). سیاست‌گذاری آموزش عالی به‌معنای تعیین چارچوب اساسی استفاده از راهبردهای خاص در نظام آموزش عالی به‌عنوان زمینه‌ای بسیار مهم در راستای انسان‌سازی و ترویج علم و هنر در بین آحاد جامعه است و در اینجا منظور از سیاست‌گذاری آموزش عالی، فرایندی است که دولت و نهادهای ذیربط با آن ایده‌ها، آن‌ها را به برنامه‌ها و فعالیت‌های اجرایی تبدیل کرده و برای دستیابی به نتایج و ایجاد تغییرات مطلوب در بخش آموزش عالی و دانشگاه‌ها عملی می‌سازند. در بسیاری از کشورها مدیریت آموزش عالی به یکی از اولویت‌های اصلی تبدیل شده است (Munawir et al., 2019; Niedlich et al., 2020). علیرغم محوریت سیاست‌گذاری در دانشگاه‌ها برای رسیدن به موفقیت، بسیاری از دانشگاه‌های کشورهای در حال توسعه از جمله ایران با نوعی بحران حاکمیتی در دانشگاه‌ها مواجه هستند که اغلب به شکل تضاد بین مدیریت، دانشجویان و کارکنان بر سر مسائلی از این قبیل شعله ور می‌شود. از جمله کمک هزینه‌های زندگی، حقوق و دستمزد، شرایط و ضوابط خدمت، محدود بودن نمایندگی در دستگاه‌های مدیریتی دانشگاه و تلقی از اقتدار دانشگاه به عنوان مدافع منافع دولت به جای منافع دانشگاه (Mwiria, 2013).

شواهد موجود نشان می‌دهد که اصول حکمرانی خوب در دانشگاه‌های جهان سوم عمدتاً در حد یک شعار باقی مانده است و در عمل هیچ یک از آثار کاربرد آن در عرصه دانشگاه و جامعه مشهود نیست (Kauffeldt, 2019; Rezazadeh Taloukolaei et al., 2024). منیعی و همکاران (۲۰۱۹) با استفاده از نظریه سه وجهی عوامل مؤثر بر الگوی حاکمیت آموزشی مناسب در نظام آموزشی را شناسایی کرده‌اند. آن‌ها به این نتیجه رسیدند که ارتقای نقش بخش خصوصی، تقویت مشارکت مردمی به منظور تأثیرگذاری بر سیاستگذاری و فعال سازی جامعه مدنی مهم ترین عوامل مؤثر بر حاکمیت آموزشی در نظام آموزشی است (Maniei et al., 2019). عباسی و همکاران (۲۰۱۷) این عوامل را در پژوهشی با عنوان «شناسایی عوامل تسهیل کننده سیاستگذاری مبتنی بر شواهد در حوزه علم، تحقیق و فناوری» بررسی کردند. آن‌ها عوامل تسهیل کننده فرآیند سیاستگذاری مبتنی بر شواهد را در سه حوزه دسته بندی کردند: عوامل فردی، زمینه‌ای و نهادی (Abbasi et al., 2018).

امروزه نظام آموزش عالی مرکز علم، تفکر و نوآوری و محل فعالیت اکثر نخبگان، اندیشمندان و متخصصان هر کشوری است. همچنین از دیدگاه نخبگان، مهم‌ترین پیامدهای آن، افزایش تحرک طبقاتی و امکان تحقق عادلانه‌تر توزیع قدرت در جامعه است (Arjomandi & Samiee, 2007). نظام آموزش عالی در دهه‌های اخیر به دلیل رشد فرآیندهای فناوری، تغییرات گسترده اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی و رفع نیازهای جامعه با مسائل اساسی مواجه بوده است. بنابراین یکی از وظایف مهم آموزش عالی، پرورش نیروی انسانی کارآمد برای اشتغال در بخش‌های مختلف مورد نیاز جامعه است و هدف اصلی دانشگاه‌ها، تولید علم، رفع نیازهای جامعه، تربیت نیروی متخصص و ارائه راهکار برای حل مسائل اجتماعی و مشکلات در همه زمینه‌هاست (Bozorgnejad & Sharifzadeh, 2016). سیستم آموزش عالی جهت دستیابی به اهداف، مستلزم دارا بودن فرایندی علمی، سالم و مبتنی بر شرایط روز جامعه در زمینه سیاستگذاری و تعیین تصمیمات راهبردی است زیرا توسعه علوم و فنون جامعه تنها در آزمایشگاه‌های تحقیقاتی صورت نمی‌گیرد بلکه این امر ریشه در فرایند سیاستگذاری و تعیین سیاست‌های مربوط به سیستم آموزشی و به‌ویژه سیستم آموزش عالی دارد و علم سیاستگذاری در تعیین عواقب سیاسی، اجتماعی و فرهنگی آن به‌صورت علمی می‌تواند نقش حیاتی داشته باشد. در واقع می‌توان گفت یکی از ارزشمندترین منابعی که جامعه برای پیشرفت و توسعه در اختیار دارد، آموزش عالی است. آموزش عالی در واقع یکی از مؤثرترین ساز و کارهای هر کشور برای مقابله با بزرگترین چالش‌های قرن حاضر است. برای دستیابی به این هدف، نظام آموزش عالی نیازمند اتخاذ سیاست‌های مناسب در زمینه‌های آموزشی و پژوهشی در دانشگاه‌ها و سایر مؤسسات آموزش عالی است. با توجه به اینکه آموزش عالی یکی از مهم‌ترین بخش‌های دولتی کشور و یکی از مؤثرترین سازوکارهای هر کشور برای مقابله با بزرگترین چالش‌های قرن حاضر است، باید به تصمیمات و سیاست‌های این بخش توجه ویژه‌ای داشت. هدف این پژوهش بررسی چالش‌های نظام آموزش عالی ایران پس از انقلاب در فرآیند سیاستگذاری و تصمیم‌گیری علمی و اجرایی است.

روش‌شناسی

این پژوهش از نظر هدف کاربردی، از نظر نحوه جمع‌آوری داده‌ها ترکیبی (آمیخته اکتشافی) و به شکل کیفی و کمی (پیمایشی مقطعی) است. پژوهشگر ابتدا به گردآوری داده‌های کیفی پرداخته تا بتواند به توصیفی از جنبه‌های متعدد پدیده یا موضوع موردنظر دست یابد پس از آن و در مرحله‌ی بعدی پژوهشگر با جمع‌آوری داده‌های کمی به سؤالات تحقیق خود پاسخ داده است. جامعه مورد مطالعه در بخش کیفی پژوهش شامل اسناد و منابع مکتوب و صاحب نظران و اساتید دانشگاهی بوده‌اند که در موضوع مورد بررسی دارای اطلاعات کافی باشند. جامعه آماری در بخش کمی آن نیز، شامل صاحب نظران و اساتید دانشگاهی در حوزه‌های سیاستگذاری و مدیریت آموزشی بود. نمونه مورد بررسی برای مرحله کیفی پژوهش، اسناد و منابع مکتوب و بخشی از اعضای جامعه هدف در بخش کیفی قرار گرفتند، به طوری که انتخاب اعضای نمونه در پژوهش کیفی به صورت غیرمستقیم انجام شد به روش تصادفی و هدفمند. از میان روش‌های نمونه‌گیری به روش نمونه‌گیری نظری که ابتدا نمونه‌گیری را به روشی آسان آغاز می‌کند و سپس سعی می‌کند با گنجاندن افراد با ویژگی‌های مختلف به اشباع و تکرار داده‌ها برسد. در نهایت با ۱۴ نفر از خبرگان و صاحب نظران موضوع مصاحبه انجام شده است. نمونه بخش کمی، شامل ۱۴۳ نفر از صاحب نظران و اساتید دانشگاهی در حوزه‌های سیاستگذاری و مدیریت آموزشی بود که به روش نمونه‌گیری تصادفی انتخاب شدند. برای رسیدن به اهداف تحقیق از سه ابزار پژوهشی استفاده خواهد شد: ۱- فرم‌های فیش‌برداری (مطالعه اسنادی)، ۲- مصاحبه نیمه ساختار یافته، ۳- پرسشنامه محقق ساخته. از فرم‌های فیش‌برداری جهت بررسی منابع مکتوب و پژوهش‌های انجام شده استفاده شد. همچنین از مصاحبه نیمه ساختار یافته استفاده شد. در این مصاحبه، سؤال‌ها از قبل طراحی شده‌اند و هدف کسب اطلاعات عمیق از مصاحبه شونده است. در بررسی روایی فرم مصاحبه از روایی محتوایی

استفاده شد. بدین معنی که فرم مصاحبه طراحی شده در اختیار پنج نفر از متخصصان و اساتید، پنج نفر از کارشناسان مرتبط با دفتر ارزیابی و نظارت دانشگاه‌ها قرار گرفت و در خصوص شمول و تناسب سؤال‌های مصاحبه، از آن‌ها نظرخواهی شد. پرسشنامه محقق ساخته بر اساس یافته‌های حاصل از مرحله کیفی و بر مبنای طیف لیکرت ۵ درجه‌ای تهیه شد. در بررسی روایی پرسشنامه از روایی محتوایی استفاده شد. بدین معنی که پرسشنامه طراحی شده در اختیار پنج نفر از متخصصان و اساتید، پنج نفر از کارشناسان مرتبط با دفتر ارزیابی و نظارت دانشگاه‌ها قرار گرفت و در خصوص شمول و تناسب سؤال‌های پرسشنامه، از آن‌ها نظرخواهی شد. همچنین به منظور برآورد پایایی پرسشنامه، هماهنگی درونی آن از طریق روایی همگرا و پایایی مورد بررسی قرار گرفت. در بخش کیفی از روش کدگذاری نظری برای تجزیه و تحلیل داده‌ها استفاده شد. داده‌های بدست آمده در این تحقیق به صورت جداگانه مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. به عبارت دیگر داده‌های کیفی با استفاده از کدگذاری باز، محوری و انتخابی و الزامات هر یک از این مراحل مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. پس از تدوین پرسشنامه و جمع‌آوری داده‌ها از پرسشنامه، تجزیه و تحلیل داده‌ها با استفاده از روش‌های مرسوم آمار توصیفی و استنباطی انجام شد. ابتدا به کمک روش‌های مرسوم آمار توصیفی مانند جداول توزیع فراوانی، نمودارها و جداول ویژگی‌های آماری، توصیف دموگرافیک نمونه پژوهش مورد بحث قرار گرفت. سپس از آزمون‌های آماری تحلیل عاملی اکتشافی، تحلیل عاملی تأییدی و نرخ‌های ساختاری استفاده شد. تجزیه و تحلیل داده‌ها با استفاده از نرم افزار PLS برای پاسخگویی به سوالات تحقیق انجام شد.

یافته‌ها

با توجه به یافته‌های حاصل از تحلیل اسناد و مصاحبه‌های انجام شده با صاحب نظران، چالش‌های نظام آموزش عالی ایران بعد از انقلاب اسلامی در جدول ۱ دسته‌بندی شده است.

جدول ۱. دستاوردها و چالش‌های نظام آموزش عالی ایران بعد از انقلاب اسلامی

گویه‌ها	
۱. تمرکز بر گسترش کمی آموزش عالی (حاکمیت پارادایم کمی)	چالش‌های نظام آموزش عالی ایران
۲. مغفول ماندن کیفیت و بی‌توجهی به آن در سیاست‌های کلی آموزش عالی	بعد از انقلاب اسلامی
۳. تمرکز بر کمیت کرسیهای استادی دانشگاه بجای کیفیت اساتید	
۴. مدرک‌گرایی	
۵. کالایی شدن آموزش عالی	
۶. عدم ارتباط بین دانشگاه، جامعه و صنعت	
۷. دانشگاه عرضه محور به جای تقاضامحور	
۸. مأموریت‌گرا نبودن دانشگاه‌ها	
۹. اشتغال نامناسب و بیکاری دانش‌آموختگان آموزش عالی	
۱۰. تعدد نهادهای سیاستگذار و اسناد سیاستی در نظام آموزش عالی	
۱۱. ضعف استقلال دانشگاه	
۱۲. عدم توجه به آمایش سرزمین در آموزش عالی	
۱۳. تخصیص ناکارآمد بودجه	
۱۴. پاسخگویی نامناسب به نیازهای استراتژیک محلی، ملی، منطقه‌ای و جهانی	
۱۵. مناسب نبودن استانداردهای آموزشی و تسهیلات در سطح جهانی و ...	
۱۶. عدم توجه کافی به سیاستگذاری و برنامه‌ریزی بلندمدت	
۱۷. تداخل وظایف و اختیارات	
۱۸. ابعاد مرتبط با خصوصی‌سازی دانشگاه‌ها	
۱۹. تداخل مصوبات شورای عالی انقلاب فرهنگی با مصوبات مجلس شورای اسلامی، دولت و مجمع تشخیص مصلحت نظام	

جدول ۲. توزیع فراوانی مربوط به جنسیت، مرتبه علمی و تعداد سال‌های تدریس

مشخصات دموگرافیک	فراوانی	درصد فراوانی
جنسیت		
مرد	۹۴	۶۵/۷
زن	۴۹	۳۴/۳
جمع	۱۴۳	۱۰۰/۰
مرتبه علمی		
استادیار	۱۰۱	۷۰/۶
دانشیار	۳۲	۲۲/۴
استاد تمام	۱۰	۷/۰
جمع	۱۴۳	۱۰۰/۰
تعداد سال‌های تدریس		
۱ تا ۱۰ سال	۸۳	۵۸/۰
۱۱ تا ۲۰ سال	۴۶	۳۲/۲
۲۱ تا ۳۰ سال	۱۴	۹/۸
جمع	۱۴۳	۱۰۰/۰

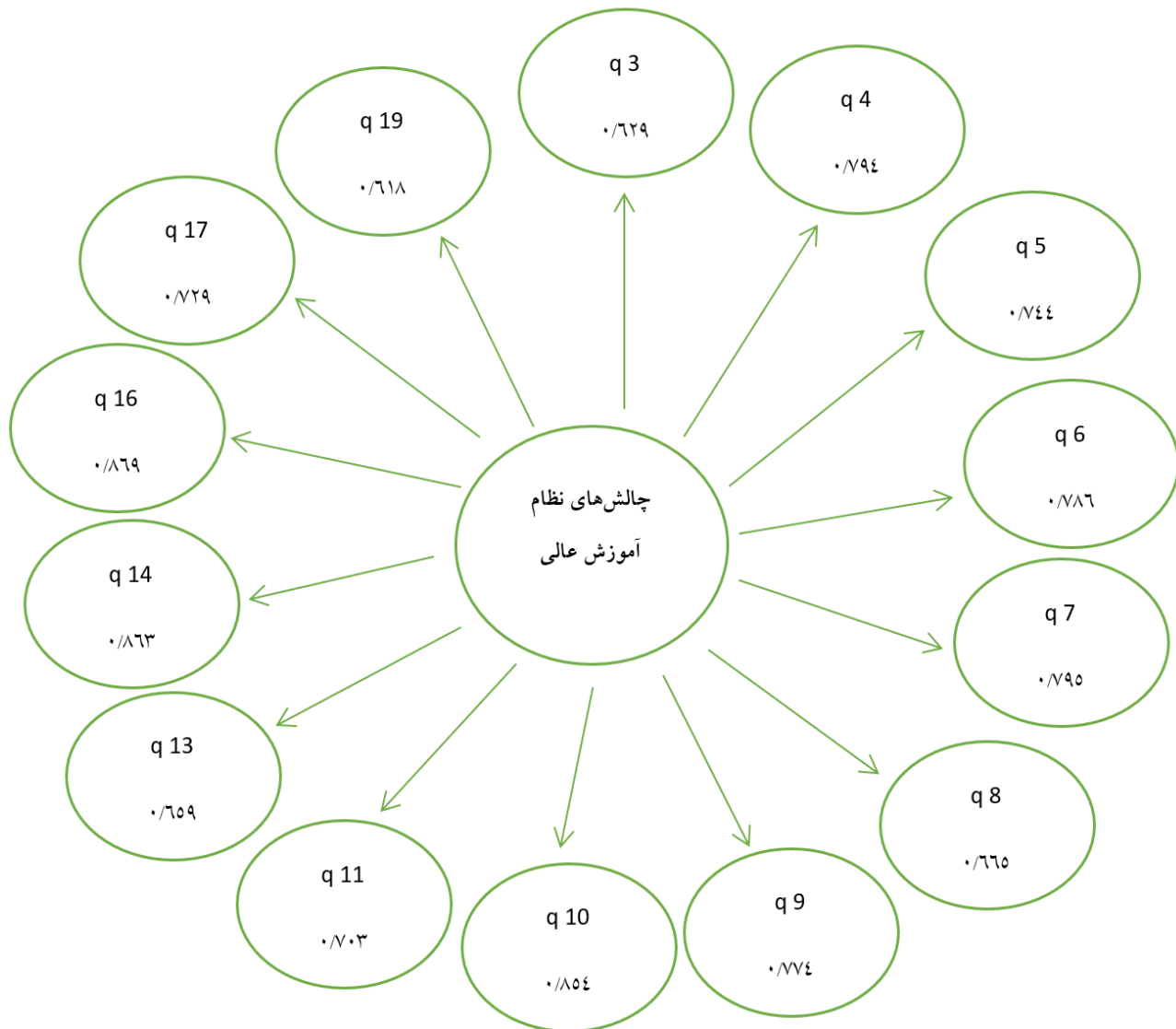
همانطور که در جدول ۲ مشاهده می‌شود ۶۵/۷ درصد پاسخ‌دهندگان مرد و ۳۴/۳ درصد زن می‌باشند. ۷۰/۶ درصد پاسخ‌دهندگان استادیار، ۲۲/۴ درصد دانشیار و ۷/۰ درصد استاد تمام می‌باشند. همچنین ۵۸/۰ درصد پاسخ‌دهندگان ۱ تا ۱۰ سال، ۳۲/۲ درصد ۱۱ تا ۲۰ سال و ۹/۸ درصد ۲۱ تا ۳۰ سال سابقه تدریس دارند.

جدول ۳. یافته‌های توصیفی شاخص‌های تحقیق

شاخص	میانگین	انحراف معیار	واریانس
۱. تمرکز بر گسترش کمی آموزش عالی (حاکمیت پارادایم کمی)	۴/۰۱۴۰	۱/۱۵۰۵۴	۱/۳۲۴
۲. مغفول ماندن کیفیت و بی‌توجهی به آن در سیاست‌های کلی آموزش عالی	۴/۱۳۲۹	۱/۱۶۴۲۴	۱/۳۵۵
۳. تمرکز بر کمیت کرسی‌های استادی دانشگاه به جای کیفیت اساتید	۳/۳۱۴۷	۱/۴۳۶۰۱	۲/۰۰۶
۴. مدرک‌گرایی	۴/۱۰۴۹	۱/۲۴۳۰۸	۱/۵۴۵
۵. کالایی شدن آموزش عالی	۴/۱۳۹۹	۱/۱۵۴۳۰	۱/۳۳۲
۶. عدم ارتباط بین دانشگاه، جامعه و صنعت	۳/۹۵۱۰	۱/۳۰۷۲۳	۱/۷۰۹
۷. دانشگاه عرضه محور به جای تقاضامحور	۳/۹۷۹۰	۱/۱۸۹۵۶	۱/۴۱۵
۸. مأموریت‌گرا نبودن دانشگاه‌ها	۳/۴۴۷۶	۱/۰۱۸۶۹	۱/۰۳۸
۹. اشتغال نامناسب و بیکاری دانش‌آموختگان آموزش عالی	۴/۱۳۲۹	۱/۲۸۵۰۰	۱/۶۵۱
۱۰. تعدد نهادهای سیاست‌گذار و اسناد سیاستی در نظام آموزش عالی	۴/۰۰۷۰	۱/۱۶۵۸۱	۱/۳۵۹
۱۱. ضعف استقلال دانشگاه	۳/۵۳۱۵	۱/۱۹۱۵۴	۱/۴۲۰
۱۲. عدم توجه به آمایش سرزمین در آموزش عالی	۳/۷۶۹۲	۰/۹۱۶۹۲	۰/۸۴۱
۱۳. تخصیص ناکارآمد بودجه	۳/۹۱۶۱	۱/۱۷۱۸۳	۱/۳۷۳
۱۴. پاسخگویی نامناسب به نیازهای استراتژیک محلی، ملی، منطقه‌ای و جهانی	۳/۵۱۰۵	۱/۲۶۶۴۰	۱/۶۰۴
۱۵. مناسب نبودن استانداردهای آموزشی و تسهیلات در سطح جهانی و ...	۳/۸۵۳۱	۱/۱۳۸۶۰	۱/۲۹۵
۱۶. عدم توجه کافی به سیاستگذاری و برنامه‌ریزی بلندمدت	۳/۹۸۶۰	۱/۱۸۶۷۰	۱/۴۰۸
۱۷. تداخل وظایف و اختیارات	۳/۴۲۶۶	۱/۰۷۷۸۸	۱/۱۶۲
۱۸. ابعاد مرتبط با خصوصی‌سازی دانشگاه‌ها	۳/۳۰۰۷	۰/۹۱۱۵۸	۰/۸۳۱
۱۹. تداخل مصوبات شورای عالی انقلاب فرهنگی با مصوبات مجلس شورای اسلامی، دولت و مجمع تشخیص مصلحت نظام	۳/۴۸۹۵	۱/۱۲۵۰۵	۱/۲۶۶

به‌منظور تحلیل هر سازه از بارهای عاملی استفاده شده است. تمامی مقادیر بارهای عاملی به جز چهار شاخص تمرکز بر گسترش کمی آموزش عالی (حاکمیت پارادایم کمی)، مغفول ماندن کیفیت و بی‌توجهی به آن در سیاست‌های کلی آموزش عالی، عدم توجه به آمایش سرزمین در آموزش عالی، مناسب نبودن استانداردهای آموزشی و تسهیلات در سطح جهانی و ابعاد مرتبط با خصوصی‌سازی دانشگاه‌ها از مقدار ۰/۶ بیشتر شده‌اند. می‌توان ادعا کرد که

همسویی سؤالات پرسشنامه به جز شاخص‌های ذکر شده برای سنجش مفاهیم، در این مرحله به صورت معتبر نشان داده شده است. به عبارت دیگر، نتایج نشان می‌دهد که پژوهشگر با استفاده از این ابزار موفق به اندازه‌گیری آنچه که قصد داشته است شده است. از این رو، می‌توان به وجود روابط بین ساختارها یا متغیرهای پنهان اشاره کرد. بنابراین، چهار شاخص مذکور حذف شده و مدل اصلاح شده مجدداً اجرا می‌شود.



شکل ۱. مدل اصلاحی در حالت تخمین استاندارد

با استفاده از شاخص میانگین واریانس استخراج شده (AVE) مشخص شد که تمام سازه‌های مورد مطالعه دارای میانگین واریانس استخراج شده (۰/۵۴۸) بالاتر از ۰/۵ هستند، به این معنی که اعتبار و اگرایی متغیرهای تحقیق تأیید می‌شود. برای ارزیابی پایایی پرسشنامه، از شاخص‌های پایایی ترکیبی (CR)، آلفای کرونباخ و ضریب Rho استفاده شده و لازم است پایایی این شاخص‌ها بالاتر از ۰/۷ تأیید شود. همه این ضرایب بالاتر از ۰/۷ هستند و نشان می‌دهند ابزار اندازه‌گیری قابل اعتماد است (Composite Reliability: 0.944)، (rho_A: 0.942)، (Cronbach's Alpha: 0.935). نتایج تحلیل عاملی مندرج در جدول ۴ نشان می‌دهد که شاخص‌های تحقیق از مقادیر بار عاملی (بیشتر از ۰/۶) برخوردارند و برای متغیرهای تحقیق شاخص‌های مناسبی محسوب می‌شوند.

جدول ۴- نتایج بارهای عاملی

بارهای عاملی	گویه‌ها
۰/۶۲۹	۳. تمرکز بر کمیت کرسی‌های استادی دانشگاه به جای کیفیت اساتید
۰/۷۹۴	۴. مدرک‌گرایی
۰/۷۴۴	۵. کالایی شدن آموزش عالی
۰/۷۸۶	۶. عدم ارتباط بین دانشگاه، جامعه و صنعت
۰/۷۹۵	۷. دانشگاه عرضه محور به جای تقاضامحور
۰/۶۶۵	۸. مأموریت‌گرا نبودن دانشگاه‌ها
۰/۷۷۴	۹. اشتغال نامناسب و بیکاری دانش‌آموختگان آموزش عالی
۰/۸۵۴	۱۰. تعدد نهادهای سیاستگذار و اسناد سیاستی در نظام آموزش عالی
۰/۶۹۴	۱۱. ضعف استقلال دانشگاه
۰/۷۰۳	۱۳. تخصیص ناکارآمد بودجه
۰/۶۵۹	۱۴. پاسخگویی نامناسب به نیازهای استراتژیک محلی، ملی، منطقه‌ای و جهانی
۰/۸۶۳	۱۶. عدم توجه کافی به سیاستگذاری و برنامه‌ریزی بلندمدت
۰/۷۲۹	۱۷. تداخل وظایف و اختیارات
۰/۶۱۸	۱۹. تداخل مصوبات شورای عالی انقلاب فرهنگی با مصوبات مجلس شورای اسلامی، دولت و مجمع تشخیص مصلحت نظام

جدول ۵. ارزیابی معیارهای مدل ساختاری

ضریب مسیر (β)	آماره t	پی ویلو	R2	Q2
۰/۸۲۰	۲۰/۲۴۳	۰/۰۰۰	۰/۶۷۲	۰/۳۲۷

با استفاده از ضریب مسیر ۰/۸۲۰ و آماره t به ارزش ۲۰/۲۴۳ بدست آمده از روش حداقل مربعات جزئی؛ در سطح اطمینان ۹۹ درصد (با توجه به اینکه آماره t بیشتر از ۲/۵۷ می‌باشد) چالش به عنوان یکی از مؤلفه‌های نظام آموزش عالی جمهوری اسلامی ایران طی چهار دهه سیاستگذاری و تصمیم‌سازی می‌باشد. شاخص Q2 قدرت پیش‌بینی مدل مفهومی تحقیق را مشخص می‌کند و به‌عنوانی یک معیار برای ارزیابی روایی متقاطع در مدل حداقل مربعات جزئی استفاده می‌شود. این شاخص قادر است رابطه‌مندی پیش‌بینی را تعیین کند و اگر مقدار آن مثبت باشد، روایی پیش‌بینی تایید می‌شود.

بحث و نتیجه‌گیری

هدف از انجام پژوهش حاضر ارزیابی چالش‌های نظام آموزش عالی ایران بعد از انقلاب در فرآیند سیاستگذاری و تصمیم‌سازی علمی و اجرایی بوده است و در این راستا چالش‌های نظام آموزش عالی بعد از انقلاب دسته بندی گردید. نتایج پژوهش بیانگر آن است که از ۱۹ مؤلفه بدست آمده در بخش کیفی مؤلفه‌های (تمرکز بر گسترش کمی آموزش عالی (حاکمیت پارادایم کمی)، مغفول ماندن کیفیت و بی‌توجهی به آن در سیاست‌های کلی آموزش عالی، عدم توجه به آمایش سرزمین در آموزش عالی، مناسب نبودن استانداردهای آموزشی و تسهیلات در سطح جهانی و... و ابعاد مرتبط با خصوصی سازی دانشگاه‌ها) به عنوان چالش‌های نظام آموزش عالی بعد از انقلاب مورد تأیید قرار نگرفت و ۱۴ مؤلفه دیگر مورد تأیید قرار گرفتند. برای انجام این کار، شاخص‌های برازندگی آزمون تحلیل عاملی تأییدی مورد استفاده قرار گرفت و ضرایب بدست آمده شامل بارهای عاملی، ضرایب معنی‌داری و شاخص‌های برازندگی، نشان داد که داده‌ها در بخش کمی مورد تأیید هستند.

در گذشته به دلیل وجود متقاضیان بسیار و لزوم گسترش عدالت آموزشی، توسعه کمی آموزش عالی یک ضرورت محسوب می‌شد اما این موضوع بدون برنامه‌ریزی و فراهم سازی امکانات کیفی باعث افت کیفیت شد؛ به‌نحوی که دانشگاه‌های کشور با تعداد بسیار زیاد رشته‌ها و دانشجویان فعالیت می‌کنند، اما آن کیفیت و استاندارد مطلوب عملاً در دانشگاه‌ها به وجود نیامده است. نظام متمرکز جذب اعضای هیأت علمی، صرفاً با در نظر گرفتن همسویی سیاسی، استفاده از قدرت و نفوذ سیاسی در جهت جذب، سیاسی کاری و اختلاف بین گروه‌های آموزشی در مواقعی موجب ورود اعضای هیأت علمی در آموزش عالی

می‌شود که دارای کیفیت مطلوب برای هیأت علمی شدن در آموزش عالی و شایستگی‌های فردی، رفتاری، روان‌شناختی و تخصصی در حوزه خود نیستند. همچنین، هر سال افراد زیادی بر اساس یک آزمون به نام کنکور وارد دانشگاه می‌شوند. انگیزه‌های آن‌ها متفاوت است، اما برخی از آن‌ها واقعاً به دنبال یادگیری، دانش طلبی، رشد و خدمت به کشور هستند و نه تنها به دنبال دریافت مدرک. آن‌ها با ورود به دانشگاه، حتی بهترین دانشگاه‌ها، امیدوار به کسب تجربه از محیط علمی آن‌ها هستند. دیدگاه آن‌ها درباره تحصیل در دانشگاه و محیط علمی آن به شدت متفاوت است.

نظام آموزش عالی ایران از دو خط‌مشی تولید علم و به‌کارگیری علم در جامعه دور افتاده و به یک دور تکرار رسیده است و تنها بر انتقال علم در قالب گسترش آموزش با افزایش بیش از حد پذیرش و تربیت دانشجو تأکید کرده است. در نظام آموزش عالی کشور عده‌ای تحصیل با هدف کسب مدرک را یک سرمایه اجتماعی تلقی می‌کنند که حتی در صورت فقدان محتوای لازم می‌تواند امتیازی ویژه برای آن‌ها محسوب شود. برخی از افراد فارغ از محتوا و کیفیت تحصیلی، صرفاً با هدف کسب مدرک وارد نظام آموزش عالی می‌شوند. در این میان آنچه بیش از همه خود را نشان می‌دهد؛ ضعف در مهارت‌ها و توانایی‌های دانش‌آموختگانی است که دارای مدارج مختلف علمی نیز می‌باشند، اما قادر به رفع نیاز خود (یافتن شغل) و رفع نیاز و خواسته کارفرما نیستند. از سوی دیگر در جامعه ما، دانشگاه به نسبت قابل توجهی از جامعه منفصل و گسسته است. نظام آموزش عالی در ایران، هنوز نتوانسته است به شکل مطلوب پاسخگوی همه نیازها و تقاضاهای جامعه باشد. از مشکلات موجود در حوزه ارتباط صنعت و دانشگاه، غیر خودجوش، وارداتی و مونتاژی بودن صنعت و نظام دانشگاهی کشور می‌باشد به عبارت دیگر از یک طرف دانشگاه‌های ایران بدون این‌که برخاسته از بطن جامعه باشد و یا بررسی دقیقی از نیازهای واقعی جامعه صورت داده باشد رشد قارچ گونه‌ای را داشته و در سطح کشور گسترده شدند. از طرف دیگر صنعت کشور نیز به جز در مواردی خاص صنعتی مونتاژی و تکنسینی است و ما صرفاً مصرف کننده این دانش و تکنولوژی هستیم. از دیگر عوامل مؤثر در شکاف بین دانشگاه و صنعت، شکاف بین تحصیلات دانشگاهی و نیازهای شغلی می‌باشد. بر این اساس به دلیل ضعف در نیازسنجی خواسته‌های صنعت، اکثر فارغ‌التحصیلان دانشگاه یا بیکار می‌مانند یا افراد نیازهای صنعت را درست نمی‌شناسند و در نتیجه افراد مناسب هم تربیت نمی‌کنند. ضعف اعتماد بین صنعتگران و دانشگاهیان، کمبود مسائل انگیزشی در این خصوص، تقاضا محور و کاربردی نبودن تحقیقات دانشگاهی، عدم تناسب بین برنامه‌های درسی دانشگاهی و نیازهای صنعت کشور، طولانی بودن زمان انجام پروژه‌های تحقیقاتی، ناآشنایی صنایع از پتانسیل دانشگاه‌ها و... باعث شده است تا ارتباط اصولی بین آن‌ها شکل نگیرد.

نظام آموزش عالی در ایران عمده‌تأثری «عرضه محور» داشته است تا تقاضا محور. بنابراین پاسخ نسبتاً ضعیفی به نیازهای جامعه و بازار کار داشته است. عواملی مانند: غلبه استراتژی عرضه‌محور بر تقاضا محور، پایین بودن سطح کیفی و خروجی دانشگاه‌ها، کم‌توجهی به تخصص و مهارت‌آموزی و در نتیجه کم‌انگیزه بودن در بین دانشجویان. به طور جدی کسب دانش و تخصص و عوامل دیگر باعث شده است که بخش قابل توجهی از فارغ‌التحصیلان با بیکاری پنهان و آشکار و یا اشتغال پاره وقت در مشاغل غیر مرتبط با تخصص خود اقدام کنند. چالش عرضه محوری آموزش عالی یا تقاضا محور نبودن آن، چالش جدیدتر «صندلی‌های خالی» دانشگاه را به وجود آورده است. کاهش جمعیت دانشجویی باعث شده است که عرضه آموزش عالی بدون پاسخ بماند. تعداد دانشجویان در سال ۹۳، ۴/۸۱۱/۵۸۱ نفر بوده که این تعداد در سال ۹۸ به ۳/۳۷۳/۳۸۸ نفر کاهش یافته است و در دانشگاه‌ها حدود ۱/۴۴۰/۰۰۰ صندلی خالی و بدون متقاضی وجود دارد. بسیاری از دانشگاه‌های کشور متناسب با ظرفیت‌های خود توسعه و گسترش نیافته‌اند. وجود تعداد زیادی مراکز آموزش عالی در کشور و افزایش تعداد دانشجویان و فارغ‌التحصیلان در سال‌های اخیر، یک مسئله مهم است که در صورت عدم برنامه‌ریزی و بررسی‌های آسیب‌شناسی، نظام آموزش عالی کشور را با تهدیدهای جدی مواجه می‌کند و بحران بیکاری فارغ‌التحصیلان را به یک چالش عمده برای برنامه‌های توسعه اجتماعی-اقتصادی کشور تبدیل می‌کند. همچنین، بررسی نهادها و ساختارهای سیاست‌گذاری آموزش عالی کشور نشان می‌دهد که منظومه آموزش عالی با تعدد نهادهای سیاست‌گذاری و اجرایی روبه‌رو است و با نسبت این نهادها با تعدد اسناد بالادستی در حوزه آموزش عالی مواجه است. عدم هماهنگی بین تصمیمات این نهادها و نیز خودداری آن‌ها از پاسخگویی، چندگانگی و سردرگمی در فعالیتهای آموزش عالی را افزایش می‌دهد و موجب زمینه‌سازی برای کژکارکردی در این فعالیت‌ها می‌شود. باید توجه داشت که دانشگاه یک مؤسسه مستقل است که از دخالت مستمر دولت به جز در موارد خاص و شفاف به دور است. دانشگاه حق انتخاب ارکان خود را دارد و از منابع عمومی و دولتی به شکل کمک برخوردار است. همچنین، دانشگاه در جذب کمک‌های مردمی، هدایا، موقوفات و کسب درآمد از محل تحقیقات و آموزش آزاد است و اختیار چگونگی هزینه کردن درآمدها و کمک‌های دولتی را دارد. با این حال، چالشی برای استقلال دانشگاهی وجود دارد، زیرا دولت از یک طرف بر استقلال دانشگاه‌ها تأکید دارد و از طرفی دیگر به دلیل تأمین بخش قابل توجهی از بودجه آموزش عالی، به دنبال تصدی‌گری است. به همین دلیل، وجود استقلال در دانشگاه‌های کشور تناقض آمیز است. در نظام‌های دانشگاهی متمرکز، که دولت

همه امور آموزش عالی را تعیین و منابع مالی، روندهای اداری، آیین‌نامه‌ها و مقررات را تهیه می‌کند، مدیران دانشگاه‌ها جز اجرای مصوبات نقش دیگری ندارند و مفاهیمی مانند برنامه‌ریزی، تفکر، طراحی، خلاقیت، تصمیم‌سازی و پاسخ‌گویی نیز در این نظام‌ها جایگاه روشنی ندارند.

در حال حاضر نظام آموزش عالی ایران پیرو نظام سیاسی و اداری کشور، یک نظام متمرکز است و برای بخش قابل توجهی از عملکردها و وظایف آن، سیاست‌ها و ساز و کارهای قانونی خاصی پیش‌بینی شده است. گستردگی و پیچیدگی نظام سیاستگذاری آموزش عالی کشور و روشن نبودن مرزهای بین نهادهای این حوزه به عنوان یکی از علل اصلی مؤثر در عدم کارایی آموزش عالی ایران و چالش‌های آن شناخته می‌شود. به باور نگارنده، سیاستگذاری‌ها در نظام آموزش عالی جمهوری اسلامی ایران در جهت اعمال کنترل اجتماعی بوده است. ساز و کارهای اعمال این کنترل اجتماعی از طریق تعدد نهادهای تصمیم‌گیر و سیاستگذار در نظام آموزش عالی و دانشگاه‌ها و همچنین تعدد اسناد سیاستی و قوانین و مقررات ناظر بر آموزش عالی جمهوری اسلامی ایران می‌باشد. در نهایت براساس یافته‌های پژوهش می‌توان نتیجه‌گیری کرد که ارزیابی نظام آموزش عالی ایران بعد انقلاب نشان می‌دهد که چالش‌های زیادی در آموزش عالی وجود دارد که مورد بحث و بررسی قرار گرفت. در نهایت از حیث مقایسه نتایج بدست آمده در این پژوهش با سایر پژوهش‌های انجام شده می‌توان گفت علیرغم عدم انجام پژوهشی با این عنوان، پژوهش‌های دیگری انجام شده است که تاحدودی و در برخی مؤلفه‌ها در راستای نتایج پژوهش حاضر است. بنابراین می‌توان گفت یافته‌های پژوهش حاضر با یافته‌های پژوهش‌های پیشین (Maniei et al., 2019; Majidpour & Namdarian, 2016; Rajaei, 2017; Niedlich et al., 2020) همخوانی دارد.

از آنجا که دانشگاه‌ها نقش اصلی را در نظام آموزش عالی دارند به رسمیت شناختن هویت مستقل علمی و اجرایی دانشگاه و واگذاری امر تصمیم‌گیری و سیاستگذاری به نهاد دانشگاه و پذیرش استقلال دانشگاهی در سیاستگذاری‌های نظام آموزش عالی، تغییر نقش دولت‌ها از مداخله‌گری به نظارتی و تمرکز زدایی از تصمیم‌گیری و سیاستگذاری در نظام آموزش عالی و سیاستگذاری مستقل دانشگاه‌های کشور در هر منطقه بر حسب الزامات و نیازهای آن منطقه و در راستای برنامه‌های آمایش آموزش عالی کشور پیشنهاد می‌گردد.

تشکر و قدرانی

بدین وسیله پژوهشگران از شرکت کنندگان در پژوهش به دلیل مشارکت فعال در پژوهش و از مسئولان آن‌ها به دلیل موافقت جهت انجام پژوهش و انجام پرسشنامه تقدیر و تشکر می‌شود.

References

- Abbasi, T., Gholipour, R., & Hadi, M. (2018). Identifying facilitators for evidence-based policymaking in the field of science, research, and technology. *Journal of Strategic Studies in Public Policy*, 8(26), 65-84. [DOI]
- Ali Ghorbani, M., Zolfaghari, R., & Imani, M. N. (2024). Identifying Dimensions and Components of Innovative Teaching Methods in Higher Education. *Sociology of Education*, 10(1), 355-365. [DOI]
- Arjomandi, G., & Samiee, H. (2007). Factors influencing the quantitative expansion of higher education and its consequences in Iran from the perspective of elites and educated individuals. *Journal of Research in Educational Systems*, 1(2&3), 91-110. [DOI]
- Bezi, A., Fakoori, H., Bayani, A. A., & Saemi, H. (2024). Design and Validation of an Environmental Education Curriculum Model for Higher Education Based on the "Aker" Approach [Research Article]. *Iranian Journal of Educational Sociology*, 7(1), 79-90. [DOI]
- Bozorgnejad, A., & Sharifzadeh, F. (2016). Study and review of the impact of implementing higher education policies of Iran based on the evaluation of the third, fourth, and fifth development programs on the performance of the Ministry of Science, Research, and Technology. *Journal of Research in Educational Systems*, 10(33), 119-170. [DOI]
- Fath Elahi, A., Yemeni Douzi Sorkhabi, M., Sabbaghian, Z., Faraskhah, M., & Ghazi Tabatabai, M. (2014). Content analysis of Iran's five development plans according to the categories of higher education governance models. *Higher Education of Iran*, 6(4), 47-82. [DOI]
- Fitriani, S., & Muljono, H. (2019). Beyond good governance: an ultimate key success for higher education quality. *Journal of Education, Teaching, and Learning*, 4(1), 210-216. [DOI]
- Frieden, J., Michael, P., & Ernesto, Z. (2018). *After the Fall: The Future of Global Cooperation Geneva Report 14*. Center for Economic Policy Research. [DOI]
- Gorbanian, M., Ghahramani, M., & Abolghasemi, M. (2021). Identifying the Components of Good Governance in Iranian Higher Education System. *The Quarterly Journal of New Thoughts on Education*, 17(1), 79-51. [DOI]
- Habibi Babadi, E., Beheshtifar, M., & Kazemi, H. (2022). Understanding and qualitative analysis of the challenges of higher education in Iran. *Iranian Political Sociology Monthly*, 5(11), 6364-6368. [DOI]

- Huang, F. (2018). University governance in China and Japan: Major findings from national surveys. *International Journal of Educational Development*, 63(6), 12-19. [DOI]
- Kauffeldt, A. (2019). *The Commission for Higher Education in Kenya: A Case Study Regarding the Establishment, Role and Operations on an Intermediary Body in the Higher Education System of a Developing Nation* University of Toronto, Ontario Institute for Studies in Education (Theory and Policy Studies)]. [DOI]
- Majidpour, M., & Namdarian, L. (2016). Identifying Barriers to Science and Technology Policy Implementation in Iran. *Innovation Management Journal*, 4(4), 31-60. [DOI]
- Maniei, R., Soleimani, N., Abbaszade, N., & Tabatabaee, S. M. (2019). Identification of effective factors on good educational governance in educational system using three-branch theory. *medical journal of mashhad university of medical sciences*, 61(suppl. 1), 223-230. [DOI]
- Mohammadi Komroudi, M. J., Ahmadi, M., & Farhadi Mahalli, A. (2024). Designing an Ethically-Oriented Management Model for Employee Education Development in Higher Education Using Grounded Theory (Case Study: Free Universities of Mazandaran Province) [Research Article]. *Iranian Journal of Educational Sociology*, 7(2), 114-123. [DOI]
- Munawir, M., Raharjo, K., Djalil, M., Syahputra, H., Muslim, B., & Adam, M. (2019). Dimensions of identity strength and organizational citizenship behavior (OCB) in establishing good university governance and performance of religious ideology-based higher educations. *Journal of Applied Research in Higher Education*, 11(2), 250-272. [DOI]
- Mwiria, K. (2013). *University Education in East Africa: The Quality Crisis*. Bureau of Educational Research, Kenyatta University. [DOI]
- Niedlich, S., Bauer, M., Doneliene, M., Jaeger, L., Rieckmann, M., & Bormann, I. (2020). Assessment of Sustainability Governance in Higher Education Institutions-A Systemic Tool Using a Governance Equalizer. *Journal of Sustainability*, 12(3), 1816-1831. [DOI]
- Rajaei, A. (2017). Investigating the situation of governance in the education sector from the perspective of its communication system in the countries of the world. *Science and Technology Policy*, 7(4), 25-34. [DOI]
- Rezazadeh Taloukolaei, F., Zameni, F., & Enayati, T. (2024). Identifying the Dimensions and Components of Good Governance and Organizational Development at Mazandaran University of Medical Sciences [Research Article]. *Iranian Journal of Educational Sociology*, 7(1), 113-123. [DOI]
- Rigi, A., Azizi, N., & Poor Ghaz, A. (2020). A Critical Analysis of External Factors Affecting World Rankings of Iranian Universities. *Journal of Research in Educational Science*, 14(49), 109-191. [DOI]
- Salimi, Q., Mohammadi, M., & Nisar, Z. (2017). Analysis of faculty members' experiences in relation to the competencies and dynamics of teaching and research in the process of internationalization of higher education: Qualitative research. *Teaching Research*, 5(2), 133-109. [DOI]
- Zaman, K. (2016). Quality guidelines for good governance in higher education across the globe. *Pacific Science Review B: Humanities and Social Sciences*, 1(1), 1-7. [DOI]